https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en

**Strategic Research on Social Problems in Iran**
E-ISSN: 2645-7539
Vol. 12, Issue 1, No.40, Spring 2023, pp. 1-16
Received: 15.01.2023 Accepted: 19.07.2023

**Research Paper**

# Analysis of the Effects of Economic Factors on Social Harms (Crime of Theft): A Case Study of East Azarbaijan Province

**Sima Eskandari Sabzi***
Assistant Professor, Department of Economics, Miyaneh Branch, Islamic Azad University, Miyaneh, Iran
si.eskandari@iau.ac.ir
**Roghayeh Hasanzadeh**
Assistant Professor, Department of Management, Miyaneh Branch, Islamic Azad University, Miyaneh, Iran
hasanzadeh.r84@gmail.com

**Introduction**
The study of social harm has long been the focus of social thinkers. One group considers them to be caused by human nature, which is often rooted in psychological theories, while another group considers them to be caused by the environment and the nature of society. Several factors have been considered in the occurrence of social harm. Among these factors, economic conditions of the society play a significant role. Crime as one of the most obvious social harms in any societies has caused countries to increase the costs of security and public order, resulting in inefficient use of resources in both the public and private sectors. Given the wide dimensions of social harms and increasing spread of criminal activities in the society, this study examined the economic factors affecting social harms with a specific focus on the crime of theft in East Azarbaijan Province. The study aimed to answer the question of whether an increase in the poverty index, living costs, and economic growth in the province could affect the commission of theft.

## Materials & Methods
This study investigated the impact of several economic variables, including Gross National Product (GDP), misery index, food and non-food expenditure, and population growth, on the social damage caused by crime in East Azarbaijan Province from 2000 to 2020. The required data were obtained from the statistical yearbook of East Azarbaijan Province, as well as the statistical yearbook of the country for different years. The appropriate models were selected based on theoretical topics, empirical research studies, and considerations of data and information. The desired pattern was estimated using the Autoregressive Distributed Lag Model (ARDL) with the collected data.

## Discussion of Results & Conclusion
The results obtained indicated that the misery index had a short and long-term impact on the number of thefts in East Azarbaijan Province. The misery index directly affected the individuals' living standards through the inflation and unemployment rates, reducing their financial resources, incomes, and purchasing power, which could lead to an increase in criminal activities. Inflationary conditions had decreased the purchasing power of households and increased the cost of living, prompting people to turn to criminal activities to maintain their previous standard of living. Unemployment, on the other hand, contributed to poverty, economic inequalities, and reduced opportunities for earning

*Corresponding author
Eskandari Sabzi, S., & Hasanzadeh, R. (2023). Analysis of the effects of economic factors on social harms (Crime of Theft): A Case Study of East Azarbaijan Province. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 12(1), 1-16.

2645-7539 / © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/).

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.136450.1876 https://dorl.net/dor/20.1001.1.26457539.1402.12.1.1.9

and employment, leading to crimes, deviations, tensions, social disorders, and violence.

Additionally, the results showed that an increase in the gross domestic product of the province led to a decrease in theft. Economic growth and expansion improved business conditions, provided employment opportunities, generated income, and reduced motivation for criminal activities, such as theft. The study also revealed that the highest growth of theft occurred in 2008, coinciding with the lowest level of the GDP in the province. Increases in the cost of living and the average cost of food and non-food items due to inflation had a direct relationship with theft in East Azarbaijan Province.

Based on the obtained results and the impact of the studied economic variables on crime in East Azarbaijan Province, it is necessary to focus on planning and policy-making to reduce inflation and unemployment, as well as creating production and employment opportunities.

**Keywords:** Social Harm, Crime, Misery Index, East Azarbaijan Province, ARDL.

پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران
سال دوازدهم، شماره پیاپی (۴۰)، شماره اول، بهار ۱۴۰۲، ص ۱-۱۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

**مقاله پژوهشی**

# تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی(جرم سرقت)؛ مطالعهٔ موردی، استان آذربایجان شرقی[۱]

**سیما اسکندری سبزی**[*]، استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران
si.eskandari@iau.ac.ir
**رقیه حسن‌زاده**، استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، واحد میانه، دانشگاه آزاد اسلامی، میانه، ایران
hasanzadeh.r84@gmail.com

**چکیده**

متفکران اجتماعی از دیرباز دربارهٔ آسیب‌های اجتماعی مطالعه کرده‌اند. دسته‌ای، آنها را ناشی از سرشت آدمی دانسته‌اند که بیشتر در نظریه‌های روان‌شناختی ریشه دارد و دسته‌ای دیگر آنها را ناشی از محیط و طبیعت اجتماع می‌دانند. در بروز آسیب‌های اجتماعی به عوامل متعددی توجه شده است. شرایط اقتصادی جامعه، ازجملهٔ این عوامل است که بر اجتماع و مسائل اجتماعی اثرگذار است. مطالعهٔ حاضر به‌دنبال بررسی تأثیر برخی متغیرهای اقتصادی بر آسیب اجتماعی سرقت در استان آذربایجان شرقی، طی دورهٔ ۱۳۷۹ الی ۱۳۹۹ است. نتایج برآورد مدل به روش خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) نشان می‌دهد در بلندمدت و کوتاه‌مدت با افزایش شاخص فلاکت، جرم (سرقت) افزایش می‌یابد. همچنین رابطهٔ منفی معنی‌داری بین رشد تولید ناخالص داخلی استان با تعداد جرم وجود دارد. افزایش متوسط هزینه‌های خوراکی خانوار نیز ارتباط مستقیمی با جرم سرقت در استان دارد.

**واژه‌های کلیدی:** آسیب اجتماعی، جرم، شاخص فلاکت، بیکاری، تورم، ARDL.

[*] نویسنده مسؤول

[۱] این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی انجام شده در دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه است.

اسکندری سبزی، سیما و حسن‌زاده، رقیه. (۱۴۰۲). «تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی(جرم سرقت)؛ مطالعهٔ موردی، استان آذربایجان شرقی». پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲(۱)، ۱-۱۶.

2645-7539 / © University of Isfahan
This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/).

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.136450.1876 https://dorl.net/dor/20.1001.1.26457539.1402.12.1.1.9

## مقدمه و بیان مسئله

متفکران اجتماعی از دیرباز دربارهٔ آسیب‌های اجتماعی مطالعه کرده‌اند. دسته‌ای، آنها را ناشی از سرشت آدمی دانسته‌اند که بیشتر در نظریه‌های روان‌شناختی ریشه دارد و دسته‌ای دیگر آنها را ناشی از محیط و طبیعت اجتماع می‌دانند (Hines, 1999). آسیب‌های اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در راستای اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی یا غیررسمی جامعه، محل فعالیت قرار نمی‌گیرد و درنتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌شود (عبدالهی، ۱۳۸۷). طلاق، اعتیاد، زورگیری، سرقت، قتل، خودکشی، فرار از خانه و ... جزء مسائل اجتماعی‌اند که در حوزهٔ آسیب‌شناسی اجتماعی بررسی می‌شوند.

در بروز آسیب‌های اجتماعی به عوامل متعددی توجه شده است. شرایط اقتصادی جامعه، ازجملهٔ این عوامل است که بر اجتماع و مسائل اجتماعی اثرگذار است. در این باره بیشتر مطالعات جامعه‌شناسی در دهه‌های اخیر، شرایط اقتصادی را با ظهور آسیب‌های اجتماعی مرتبط دانسته‌اند (Fleisher, 1963; Bourguignon et al., 2003; Arabi, 2019). دیدگاه غالب در بیان چگونگی اثرگذاری اقتصاد بر آسیب‌های اجتماعی، بر پیامدهای محرومیت اجتماعی تأکید دارد. طرفداران دیدگاه محرومیت اجتماعی اعتقاد دارند که ناهمواری‌های اقتصادی، شرایط پر از استرسی را در جامعه ایجاد می‌کند و به همین دلیل افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی مختلف، ازجمله رفتار مجرمانه، جنون، فروپاشی نهاد خانواده، خودکشی، اعتیاد و ... قرار می‌گیرند. محرومیت‌ها ممکن است ناشی از فقر مزمن در مناطق، اتلاف منابع اقتصادی یا توزیع نامناسب منابع باشد.

امروزه جرم، یکی از بارزترین آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای تلقی می‌شود. افزایش جرم و جنایت، کشورها را مجبور به افزایش هزینه‌های امنیت و نظم عمومی کرده است که این امر باعث استفادهٔ ناکارآمد از منابع، در بخش عمومی و خصوصی جامعه می‌شود (Sugiharti et al., 2022). تئوری‌های بی‌سازمانی اجتماعی[1]، نظریهٔ اقتصادی بکر[2] (1968) و نظریهٔ فشار[3] در بیان ارتباط بین رشد اقتصادی، فقر، نابرابری و جرم می‌کوشند. تئوری بی‌سازمانی اجتماعی معتقد است که فقر، رشد اقتصادی راکد و نابرابری، سازمان‌دهی جامعه را تضعیف می‌کند. کمبود کالاها و خدمات اساسی، درآمد و فعالیت‌های اقتصادی، بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی را به‌همراه دارد و به افزایش فعالیت‌های جرم و جنایت در یک جامعه منجر می‌شود (Garidzirai, 2021). از سوی دیگر، تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با نظریهٔ فشار دارد و تصریح می‌کند که افراد با سطح درآمد پایین، زمانی ناامید می‌شوند که افرادی با سطح درآمد بالا آنها را احاطه می‌کنند (Merton, 1983). نظریهٔ فشار بر نبود فعالیت اقتصادی تأکید بیشتری دارد که به افزایش ارتکاب جرائمی همچون قتل، فحشا، سرقت اموال، خشونت و غیره منجر می‌شود؛ بنابراین، مجرمان احتمال گرفتارشدن در مقابل رنج و عذاب خود را دارند و درنهایت درگیر فعالیت‌های جنایی می‌شوند. فقر، رکود رشد اقتصادی و نابرابری درآمد، خانوارهای کم‌درآمد را مجبور می‌کند تا برای بهبود وضعیت اقتصادی خود، مرتکب جرم شوند (Buttner, 2022).

فعالیت‌های مجرمانه هزینه‌های اقتصادی هنگفتی را بر جوامع تحمیل و هزینه‌های روانی را برای افراد ایجاد می‌کند. این گونه فعالیت‌ها، علاوه بر پیامدهای فردی و اجتماعی و هزینه‌های بسیاری که بر فرد و جامعه تحمیل می‌کنند، سبب کاهش سطح رفاه در جامعه نیز می‌شوند. میزان بالای جرم سرقت، احساس ناامنی را در مردم ایجاد می‌کند و علاوه بر شکستن قانون، سبب بی‌نظمی و سلب امنیت و آسایش آنها می‌شود. از سوی دیگر، انجام فعالیت‌های مجرمانه در هر منطقه، کیفیت زندگی را در آنجا کاهش و ریسک انجام فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را افزایش می‌دهد. وقوع جرم‌های متعدد در هر جامعه‌ای، دولت‌ها را مجبور می‌کند تا

[1] Social Disorganization Theory
[2] Becker
[3] Strain Theory

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.136450.1876 https://dorl.net/dor/20.1001.1.26457539.1402.12.1.1.9

برای مقابله با آن و برقراری نظم و امنیت و تأمین حقوق شهروندان، نهادهای مبارزه با جرم را به‌صورت کمی و کیفی توسعه دهند و هزینه‌هایی را در جهت تعقیب، دستگیری و نگهداری مجرمان متحمل شوند که انجام آن موجب کاهش منابع عمومی در دیگر امور اجتماعی و اقتصادی، مانند زیرساخت‌های اقتصادی، آموزشی و بهداشتی و ... می‌شود (Taylor, 1995 ; Ishak, 2016; Jonathan et al., 2021; Sheer et al., 2018).

در این میان وضعیت اقتصادی یک جامعه به عنوان مؤثرترین عامل اثرگذار بر وضعیت معیشت جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای بر اعمال افراد جامعه دارد. براساس اطلاعات سالنامهٔ آماری استان آذربایجان شرقی، در سال ۱۳۹۹، ۲۸۹۳۳ جرم در حوزهٔ استحفاظی نیروی انتظامی استان اتفاق افتاده و جرائمی مربوط به نزاع و درگیری با بیش از ۹۴درصد، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. همچنین در این سال، ۹۴۶۴ نفر به‌سبب انواع سرقت‌ها دستگیر شده‌اند که این تعداد در مقایسه با سال ۱۳۹۸ افزایش ۱۸/۶درصدی داشته است. این در حالی است که نگاهی به وضعیت نسبت دستگیرشدگان جرائم واقع‌شده در حوزهٔ استحفاظی نیروی انتظامی به کل جمعیت استان تقریباً دو برابر شده و از ۴/۲۲ در سال ۱۳۹۵ به ۸/۱۵ در سال ۱۳۹۹ رسیده است. این نسبت به‌طور ویژه دربارهٔ انواع سرقت‌ها از سال ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ روند افزایشی داشته و از ۱۴/۵۳ به ۲۳/۲۶ افزایش یافته است. رتبهٔ استان نیز ازنظر شاخص قیمت در کل کشور، در سال ۱۳۹۹، ۹ بوده است که حضور این استان را در بین ۱۰ استان اول دارای نرخ تورم بالا نشان می‌دهد. رتبهٔ استان در نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۹، ۲۱ بوده است (سالنامهٔ آماری کشور، سال ۱۳۹۹).

نظر به وسیع‌بودن ابعاد آسیب‌های اجتماعی، فعالیت‌های مجرمانه و گسترش روزافزون آن در جامعه، پژوهش حاضر عوامل اقتصادی مؤثر بر آسیب‌های اجتماعی را با تأکید بر جرم سرقت در استان آذربایجان شرقی بررسی می‌کند و به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا افزایش شاخص فلاکت و هزینه‌های زندگی و رشد اقتصادی در استان، می‌تواند ارتکاب جرم سرقت را متأثر کند؟

## چهارچوب نظری

آسیب‌های اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی گفته می‌شود که در راستای اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی یا غیررسمی جامعه، محل فعالیت قرار نمی‌گیرد و درنتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌شود (عبدالهی، ۱۳۸۷). طلاق، اعتیاد، زورگیری، سرقت، قتل، خودکشی، فرار از خانه و ... جزء مسائل اجتماعی‌اند که در حوزهٔ آسیب‌شناسی اجتماعی بررسی می‌شوند. تئوری‌های بی‌سازمانی اجتماعی[1]، نظریهٔ اقتصادی بکر (1968) و نظریهٔ فشار[2] در بیان ارتباط بین عوامل اقتصادی همچون رشد اقتصادی، فقر، نابرابری و جرم می‌کوشند.

**نظریهٔ اقتصادی جرم:** گرچه جرم، که به‌عنوان نقض، حذف یا اقدام علیه قانون درک می‌شود، از انگیزه، خشم، استرس روانی و دیگر جنبه‌های غیراقتصادی نشئت می‌گیرد، پژوهش‌ها نشان می‌دهد بین جرم و عوامل اقتصادی، ارتباط وجود دارد؛ درواقع وضعیت اجتماعی–اقتصادی افراد، به‌عنوان عامل اساسی فعالیت مجرمانه مطرح می‌شود (Barkan & Rocque, 2018). جرم ازنظر اقتصادی بر پایهٔ نظریهٔ بکر (1968) است که چارچوبی را براساس تحلیل هزینه و فایده پیشنهاد می‌کند. از دید او فرد مجرم مطلوبیت انتظاری حاصل از ارتکاب جرم را بیش از هزینه‌های انتظاری ارتکاب جرم محاسبه می‌کند و درنهایت به این نتیجه می‌رسد که اقدام به یک عمل خلاف قانون، خالص ارزش مطلوبیت انتظاری او را مثبت می‌کند و این به سود فرد است که نقض قانون و هنجارشکنی را انجام دهد. اصل هزینهٔ فرصت زمان، مبانی نظری اقتصاد جرم را تشکیل می‌دهد. منظور از هزینهٔ فرصت،

[1] Social Disorganization Theory
[2] Strain Theory

یعنی تمام درآمدهایی که یک فرد با توجه به توانایی‌ها، استعدادها و آموزش‌هایی که دیده است، ازطریق قانونی و مجاز کسب می‌کند. در جوامعی که بیکاری گسترده به‌ویژه در سنین جوانی و نوجوانی وجود دارد و به‌دلیل توزیع نامناسب ثروت، درآمد و رانت بین درآمدهای قانونی و غیرقانونی شکاف عظیمی به وجود می‌آید، انگیزه‌ای برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی ایجاد و بسته به نوع و شدت مجازات‌ها، تضعیف می‌شود؛ اما مادامی که این مجازات‌ها (در ادبیات اقتصادی، مجازات یعنی هزینه) کمتر از درآمدهای غیرقانونی یا فعالیت‌های مجرمانه باشد، اشخاص به‌سمت این فعالیت‌ها جذب می‌شوند (عباسی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱).

## عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر آسیب‌های اجتماعی (جرم)

محیط اقتصادی جوامع نیز به سهم خود در تأثیرگذاری بر جرم و ناهنجاری در سطح کلان، تأثیر بسزایی دارد. بدون تردید فقر، نابرابری‌های اقتصادی و بیکاری در زمرهٔ مهم‌ترین معضلات جامعهٔ بشری‌اند که از جایگاه ویژه‌ای بین دیگر مسائل اقتصادی برخوردارند. مشکلات فقر تنها به پیامدهای خود فقر منحصر نیست، بلکه مشکلات این مسئلهٔ اقتصادی زمانی شدت می‌یابد که بسترساز انحرافات می‌شود و درواقع مکانیزم تأثیرگذاری اقتصاد بر اجتماع، عموماً از کانال فقر، بیکاری و نابرابری نشئت می‌گیرد. ارتباط بین فقر و انحرافات اجتماعی، موضوعی نو و بدیع نیست و جوامع انسانی طی حیات خویش، به‌نوعی با این دو مقوله درگیر بودند. درآمد پایین، تحصیلات ناکافی و بیکاری بالا، بیشتر با فعالیت‌های مجرمانهٔ زیاد در ارتباط است. به اعتقاد برایتویت[1] (1981) بین طبقهٔ اجتماعی و میزان جرم و جنایت ارتباط وجود دارد؛ به‌نحوی که جرم و جنایت در میان افراد کمتر مرفه جامعه، بیشتر است.

از سوی دیگر مطالعات متعدد، شواهد مثبتی را دربارهٔ نقش آموزش در کاهش جرم و جنایت پیدا کرده‌اند. سال‌های طولانی‌تر آموزش اجباری و ساعات طولانی‌تر مدرسه، کانال‌هایی‌اند که ازطریق آنها آموزش جرم و جنایت را کاهش می‌دهند. علاوه بر این، سطوح بالاتر تحصیل، فرصت‌های کار گسترده‌تری را ارائه و سطح درآمد را نیز افزایش می‌دهند (Muryani et al., 2021). سطوح بالاتر تحصیلات ممکن است بیزاری شهروندان را نسبت‌به فعالیت‌های مجرمانه و نیز هزینهٔ فرصت فعالیت‌های غیرقانونی را با افزودن درآمدهای بالقوه از فعالیت‌های مشروع افزایش دهند (Bell et al., 2016).

از عوامل دیگری که در مطالعهٔ حاضر بررسی شده است، به موارد زیر اشاره می‌شود:

**شاخص فلاکت**[2]: یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی است که از مجموع دو متغیر نرخ تورم و بیکاری به دست می‌آید. آرتور اوکان[3] برای اولین بار در دههٔ هفتاد میلادی این شاخص را معرفی کرد. از دید کوهن و همکاران[4] (2014) این شاخص احتمالاً اولین تلاش برای اندازه‌گیری ضعف اقتصادی یک اقتصاد، در یک عدد واحد بود و ازنظر لچمن[5] (2009)، یک روش عینی برای کمی‌کردن نابسامانی اقتصادی است. درواقع، این شاخص تلاش می‌کند تا مشهودترین هزینه‌های واردشده به جامعه را خلاصه کند؛ زیرا بیکاری مانع کسب درآمد افراد می‌شود، در حالی که نرخ تورم بالا با کاهش قدرت خرید، هزینه‌های زندگی را افزایش می‌دهد (Sanchez Lopez, 2022). افزایش شاخص فلاکت به‌طور مستقیم بر رفاه اجتماعی اثر می‌گذارد و آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی و پیامدهای روانی متعددی مانند رشد فقر، افزایش جرم و جنایت، رشد طلاق و فروپاشی خانواده‌ها و کاهش شادکامی ملی را به‌دنبال دارد (شاه‌آبادی و قربانی‌گل‌پرور، ۱۳۹۵). تورم، قدرت خرید خانوارها را کم می‌کند و در مقابل، هزینه‌های زندگی را افزایش می‌دهد، درنتیجه ممکن است میزان جرم و جنایات را افزایش دهد؛ زیرا فرد مانند گذشته،

[1] Braithwaitet

[2] Misery Index
[3] Arthur O'Conn
[4] Cohen et al.
[5] Lechman

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.136450.1876 https://dorl.net/dor/20.1001.1.26457539.1402.12.1.1.9

قادر به حفظ سطح زندگی خود نیست و برای جبران آن، به‌سمت فعالیت‌های مجرمانه گرایش پیدا می‌کند. با این حال، این پدیده بلافاصله اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا زمان لازم است تا تورم، قدرت خرید را به‌تدریج کاهش دهد (Teles, 2004). بیکاری نیز با کاهش فرصت‌ها و منابع کسب درآمد و اشتغال از عوامل ایجادکنندهٔ فقر و نابرابری‌های اقتصادی است که باعث بروز جنایات، انحرافات، تنش‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی و خشونت می‌شود. افراد شاغل، درآمدهای قانونی را جایگزین درآمد فعالیت‌های غیرقانونی می‌کنند که همراه با ریسک بالایی است. ازنظر بکر (1968)، زمانی که افراد بیکارند، بازده نهایی فعالیت‌های قانونی کمتر از زمانی است که فرد شاغل است و این باعث افزایش احتمال ارتکاب جرم در فرد می‌شود. محققانی مانند کنتور و لند[1] (1985) معتقدند بیکاری به کاهش جرم منجر می‌شود؛ زیرا باعث کاهش هزینهٔ افراد برای کالاها و دارایی‌های لوکس می‌شوند و مردم ترجیح می‌دهند از دارایی‌های و اموال خود مراقبت بیشتری داشته باشند. همچنین با افزایش بیکاری، افراد مخارج مربوط به فعالیت‌های فراغتی خود را کم و زمان بیشتری را برای استراحت در منزل و مراقبت از اموال خود صرف می‌کنند. مجموعهٔ اینها باعث می‌شود که وقوع جرم کمتر باشد (Ayang et al., 2022).

**رشد اقتصادی**: براساس نظریهٔ بکر (1968)، رشد اقتصادی فرصت‌های بازار کار و درنتیجه هزینهٔ فرصت فعالیت‌های مجرمانه را برای افراد افزایش می‌دهد. همچنین رشد اقتصادی ممکن است با ایجاد اشتغال فراوان، پاداش فعالیت مجرمانه را بیشتر کاهش دهد. از سوی دیگر، رشد اقتصادی ممکن است درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد که به افزایش بودجهٔ دولت برای پیشگیری از جرم منجر می‌شود. هر دو مکانیسم رابطهٔ معکوسی بین رشد اقتصادی و جرم را پیشنهاد می‌کنند. با این حال، رشد اقتصادی به‌عنوان یک شاخص برای افزایش رفاه عمل می‌کند. افزایش رفاه ممکن است تعداد موارد تشویق‌کنندهٔ رفتار مستعد جرم را زیاد کند؛ مانند افرادی که خانه‌های خود را بیشتر ترک می‌کنند، مصرف الکل را افزایش می‌دهند و یا اتومبیل بیشتری دارند (ASIF, 2014). علاوه بر این، رشد اقتصادی با ثروتمندترشدن جامعه، بازدهی ارتکاب جرم را برای مجرمان افزایش می‌دهد.

**جمعیت**: دیدگاه‌های نظری مختلف، وجود رابطهٔ بین اندازهٔ جمعیت و جرم را بیان کرده‌اند. سه نظریهٔ اصلی جرم‌شناسی در این باره وجود دارد: ساختاری[2]، کنترل اجتماعی[3] و خرده‌فرهنگی[4]. ازنظر ساختاری، با تعداد افراد بیشتر، شانس تعامل اجتماعی افزایش می‌یابد و درنهایت، احتمال بیشتری برای استثمار، توهین یا آسیب‌دیدن افراد ایجاد می‌شود؛ بنابراین اندازهٔ جمعیت بزرگ‌تر، تعداد فرصت‌های تعامل را با سرعت فزاینده‌ای افزایش می‌دهد و به رشد جرم با اندازهٔ جمعیت منجر می‌شود (Oliveira, 2021). دیدگاه کنترل اجتماعی بیانگر این است که تغییرات در اندازهٔ جمعیت، تأثیر کیفی بر روابط اجتماعی دارد و مکانیسم‌های کنترل اجتماعی غیررسمی را تضعیف می‌کند که جرم و جنایت را مهار می‌کنند (Groff, 2015). با افزایش جمعیت، نه‌تنها افراد فرصت‌های بیشتری برای تماس‌های اجتماعی دارند، بیشتر با غریبه‌ها نیز احاطه می‌شوند. این وضعیت یکپارچگی اجتماعی را دشوار می‌کند، انگیزه‌های مجرمانه را تشویق می‌کند و به توانایی جامعه برای محدودکردن رفتار نامناسب اجتماعی آسیب می‌رساند. دیدگاه خرده‌فرهنگی بیان می‌کند که تمرکز جمعیت، افراد را با علایق مشترک گرد هم می‌آورد و شبکه‌های اجتماعی خصوصی ساخته‌شده براساس این علایق را ایجاد می‌کند. فیشر[5] (1975) معتقد است جمعیت‌های بزرگ، تعداد کافی افراد با علایق مشترک خاص دارد؛ بنابراین تعامل اجتماعی را ممکن می‌کند و به ظهور خرده‌فرهنگ‌ها منجر می‌شود (Oliveira, 2021). به اعتقاد کوهن و همکاران

[1] Contor and Land

[2] Structural
[3] Social control
[4] Subcultural
[5] Fisher

(2014)، خرده‌فرهنگ بزهکار، پاسخ دسته‌جمعی افرادی است که در ساختار اجتماعی موقعیت یکسانی دارند و برای کسب موقعیت‌های اجتماعی بالا و مزایای مادی، که به‌تبع این موقعیت به دست می‌آید، احساس ناتوانی می‌کنند. همچنین انتخاب خرده‌فرهنگ بزهکار به‌طور دسته‌جمعی راه‌حلی است برای کسب موقعیت اجتماعی فرد براساس معیارهایی که از طرف آنان پذیرفته شده است و انجام آنها برایشان امکان‌پذیر است (پروین و درویشی‌فرد، ۱۳۹۴). سه دیدگاه ساختاری، کنترل اجتماعی و خرده‌فرهنگی انتظار دارند که تعداد بیشتر افراد در یک منطقه، به جرم و جنایت بیشتر در آنجا منجر شود.

براساس مباحث مطرح‌شده، مدل نظری پژوهش حاضر برای بررسی تأثیر عوامل اقتصادی منتخب بر آسیب‌های اجتماعی استان آذربایجان شرقی، با در نظر گرفتن ارتکاب جرم سرقت به‌عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی، براساس متغیرهای به کار رفته در این مطالعه، به‌صورت زیر است:

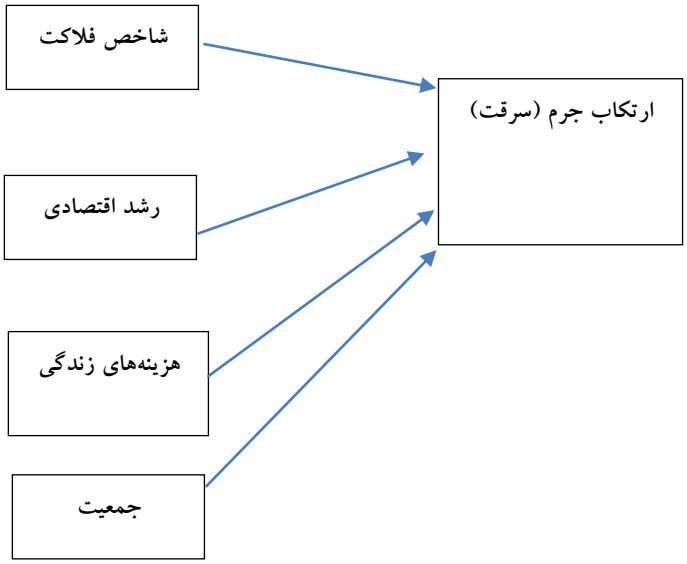


**شکل ۱- مدل نظری پژوهش**

**Fig 1- Research theoretical model**

## پیشینهٔ تجربی پژوهش

مطالعات خارجی و داخلی متعددی در زمینهٔ عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر آسیب‌های اجتماعی (در مطالعهٔ حاضر، جرم) انجام شده است. در مطالعات خارجی، ارلیش[1] (1973) استدلال کرد که نابرابری باعث ایجاد جرم می‌شود؛ زیرا بازدهی حاصل از کار صادقانه در مقایسه با مزایای مورد انتظار جرم مؤثر کم است. چندین مطالعه نیز به‌طور تجربی، چنین ارتباطی را بین جرم و نابرابری درآمد آزمایش کرده‌اند. در این راستا، ایمروهوراوغلو و همکاران[2] (2004) نشان دادند افزایش نابرابری درآمد به‌طور مثبت، با بیشتر افراد درگیر در فعالیت‌های مجرمانه مرتبط است. کامرون و شاه[3] (2014) بررسی کردند که آیا نابرابری درآمد و اشتباهات در تخصیص کمک مالی (هدف‌گذاری نادرست)، به ناآرامی اجتماعی و رفتار ضد اجتماعی جنایتکاری منجر شود یا نه. آنها دریافتند که هم افزایش نابرابری درآمدی و هم هدف‌گذاری نادرست، به افزایش احتمال جرم منتهی می‌شود. در مطالعهٔ دیگری، انامورادو و همکاران[4] (2016) متوجه شدند افزایش نابرابری درآمد (شاخص جینی) به افزایش قتل به‌دلیل مواد مخدر در

[1] Ehrlich
[2] Imrohoroglu et al.
[3] Cameron and Shah
[4] Enamorado et al.

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.136450.1876 https://dorl.net/dor/20.1001.1.26457539.1402.12.1.1.9

مکزیک منجر می‌شود. انگوین[1] (2019) شواهد مثبتی را دربارهٔ افزایش سطح تحصیلات یافت که به کاهش وقوع جرم در اندونزی کمک کرده است، اگرچه نقش آموزش در کاهش جرم و جنایت به‌دلیل فقر ضعیف شده است.

توشیما[2] (1996) در مطالعه‌ای با عنوان «ساختار اقتصادی و جرم: مطالعهٔ موردی ژاپن»، رابطهٔ میان شاخص‌های اقتصادی و جرم را در ۴۷ منطقهٔ ژاپن بررسی می‌کند. در این مطالعه بیشترین تأکید بر تأثیر فقر، نابرابری درآمدی و بیکاری بر نرخ جرائمی مانند قتل عمد، سرقت مسلحانه و سرقت عادی است و نتایج به دست آمده یک رابطهٔ مثبت و معنی‌داری را بین نرخ بیکاری، قتل و سرقت نشان می‌دهد. نابرابری درآمدی رابطهٔ مثبتی با سرقت عادی دارد، ولی با قتل و سرقت مسلحانه رابطهٔ معناداری ندارد. بین فقر و جرائم ذکرشده، ارتباط معناداری وجود ندارد. ادمارک[3] (2005) با استفاده از رویکرد پنل، آثار متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی شامل بیکاری، تحصیلات، جمعیت جوان و تراکم جمعیت بر جرائم (سرقت، قتل و خشونت) را طی دورهٔ ۱۹۹۹ – ۱۹۸۸ بر بخش‌های مختلف سوئد بررسی کرد. براساس یافته‌های او، بیکاری تأثیر مثبت و معناداری بر تمام انواع جرائم دارد و این تأثیر بر جرائم اموال (سرقت) ملاحظه‌شدنی است. انگیزه‌های اقتصادی به‌طور مستقیم بر جرائم خشن اثر ندارد. با این حال کانال‌هایی وجود دارد که ازطریق بیکاری ممکن است بر جرائم خشن اثر بگذارد. آموزش و سال‌های تحصیل نیز اثر منفی و بیشتر معناداری بر انواع مختلف جرائم دارد. اما وبستر و کینگستون[4] (2014) رابطهٔ فقر، نابرابری و جرم را در انگلستان بررسی کردند و دریافتند که با افزایش نابرابری و فقر، جرم نیز افزایش می‌یابد. در مطالعهٔ انصر و همکاران[5] (2020) نیز رابطهٔ رشد اقتصادی، نابرابری، فقر و جرم در ۱۶ کشور مختلف در طی دورهٔ ۱۹۹۰–۲۰۱۴ با تکنیک GMM بررسی شده و نشان داده است که بیکاری و نابرابری درآمدی، رابطهٔ عکسی با جرم دارند. افزایش در شکاف بین درآمد فقرا و ثروتمندان و بیکاری به افزایش تعداد مجرمان منجر می‌شود. باتنر[6] (2022) رابطهٔ بین نابرابری‌های اجتماعی- اقتصادی را در ابعاد مختلف و جرائم خشونت‌بار و سرقت را در سطح محلی در آفریقای جنوبی، با استفاده از مجموعهٔ دادهٔ پانل بررسی کرد و دریافت که بین نابرابری درآمدی و جرائم خشونت‌بار، رابطهٔ خطی مثبت معنی‌داری وجود دارد، در حالی که رابطه‌ای به شکل U وارونه با جرائم مربوط به اموال دارد. نابرابری آموزشی، ارتباط معنی‌داری با جرائم خشن و نابرابری در حوزهٔ مسکن، ارتباط معنی‌داری با جرائم مربوط به اموال دارد.

در مطالعات داخلی انجام‌شده دربارهٔ تأثیر عوامل اقتصادی بر جرم در کشور، مهرگان و گرشاسبی‌فخر (۱۳۹۰) با استفاده از دو مدل مختلف و با متغیرهای ضریب جینی و نسبت هزینهٔ دهک دهم به دهک اول، به این نتیجه رسیدند که بین توزیع درآمد و سرقت، رابطهٔ معناداری وجود دارد؛ به‌عبارتی با افزایش نابرابری درآمدی، تعداد جرائم از نوع سرقت افزایش می‌یابد.

دادگر و نظری (۱۳۹۲) تأثیر شاخص فلاکت را بر جرم و جنایت در ایران، طی دورهٔ ۱۳۸۹–۱۳۶۹ بررسی کردند و نشان دادند در بلندمدت و کوتاه‌مدت رابطهٔ مثبتی بین شاخص فلاکت و جرم و جنایت در کشور وجود دارد. عباسی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۳) با بهره‌گیری از مدل اقتصادسنجی مبتنی بر داده‌های سری زمانی، تأثیر عوامل اقتصادی را بر متغیرهای قتل عمد و غیرعمد، سرقت و جرائم خشن در سطح کشور ایران بررسی کردند. نتایج مطالعه نشان داد رابطهٔ بین بیکاری و تورم با جرائم مثبت و اثر بیکاری، بسیار شدیدتر از تورم است. ابراهیمی و چاکرزهی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای، عوامل اقتصادی مؤثر بر جرم و جنایت را با استفاده از روش جوهانسون جوسیلیوس بررسی کردند و نتیجه گرفتند که

[1] Nguyen
[2] Tsushima
[3] Edmark
[4] Webster & Kingston
[5] Anser et al.
[6] Buttner

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.136450.1876 https://dorl.net/dor/20.1001.1.26457539.1402.12.1.1.9

افزایش بیکاری و تورم، به افـزایش جـرم و جنایـت در ایـران منجر می‌شود.

یحیوی دیزج و همکاران (۱۳۹۷) بـا اسـتفاده از اطلاعـات ۷۷ کشور جهان و به روش GMM نابرابری، تورم، بیکـاری و تولید سرانه را به‌عنوان شاخص‌های اقتصادی مؤثر بر سـرقت، قتل و تعداد زندانیان شناسـایی کردنـد و نشـان دادنـد کـه بـا افزایش نابرابری، تورم، فقـر و بیکـاری، احتمـال وقـوع جـرم توسط افراد جامعه به‌طور معنی‌داری افزایش می‌یابد. اقبـالی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعهٔ خود، تأثیر سیکل‌هـای بیکـاری و تولید ناخالص داخلی را بر جرم و جنایت بررسی کردند و بـا ارائهٔ چهار الگوی متفاوت برای جرائم مالی، خشونت‌بار و کل جرائم و با استفاده از مدل ARDL نشان دادند که بیکـاری در کوتاه‌مدت و در دوران رکـود، تـأثیر منفـی بـر جـرائم مـالی، خشونت‌بار و شاخص کل جرائم دارد، ولـی در دوران رونـق، با جرائم مالی و شاخص کل جرائم رابطهٔ مثبـت و بـا جـرائم خشونت‌بار رابطهٔ منفی دارد. تأثیر شاخص فلاکـت بـر میـزان ارتکـاب جـرائم اسـتان‌هـای کشـور، مطالعـه‌ای اسـت کـه سـلیمانی‌مقـام و همکـارن (۱۳۹۹) بـا اسـتفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته انجام داده‌اند که نتایج به دسـت آمـده نشان می‌دهد شاخص فلاکت ازطریق دو کانـال نـرخ تـورم و بیکاری، تأثیر افزایشی بر میزان ارتکاب جرم در استان‌ها دارد.

## فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۱. شاخص فلاکت استان بر ارتکاب جرم (سرقت) در اسـتان آذربایجان شرقی تأثیر دارد؛
۲. رشد اقتصادی استان بر ارتکاب جرم (سـرقت) در اسـتان آذربایجان شرقی تأثیر دارد؛
۳. هزینه‌های زندگی بـر ارتکـاب جـرم (سـرقت) در اسـتان آذربایجان شرقی تأثیر دارد؛
۴. رشد جمعیت استان بر ارتکاب جرم (سـرقت) در اسـتان آذربایجان شرقی تأثیر دارد.

## روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر ازنظر هـدف کـاربردی و ازنظـر روش، انجـام تحقیـق از نـوع توصـیفی- تحلیلـی و بـا راهبـرد پیمایشـی و براساس داده‌های موجود اسـت. جامعـهٔ آمـاری مطالعـه‌شـده، استان آذربایجان شـرقی اسـت. داده‌هـای مـورد نیـاز ازطریـق اطلاعات منتشرشده در سالنامهٔ آماری استان آذربایجان شرقی، سالنامهٔ آماری کشور (سال‌های مختلف) و داده‌های مرکز آمـار طی دورهٔ ۱۳۷۹ الی ۱۳۹۹ به دست آمده است. در این مطالعه برای بررسی رابطـهٔ بـین متغیرهـای اقتصـادی و آسـیب‌هـای اجتماعی (به‌طور مشخص جرم سرقت)، با استفاده از مباحـث تئوریک، مطالعات تجربی تحقیق، با در نظر گرفتن ملاحظـات و شرایط داده‌ها و اطلاعات، مدل و الگوی مناسب انتخـاب و در مرحلهٔ بعدی، بـا اسـتفاده از داده‌هـای جمع‌آوری‌شـده بـا روش مـدل‌هـای خودرگرسـیونی و بـا وقفـه‌هـای توزیعی[1] (ARDL)، الگوی مدنظر تخمین زده می‌شود.

براساس مبانی نظری و مطالعات تجربی، مدل اصلی تحقیق به‌صورت زیر تصریح شده است:

$$LnCRIME_t = c + GGDP + GPOP + Ln\,M_t + LnEXP_t$$

که در آن LCRIME متغیر وابستهٔ جرم سرقت (مجموع انـواع سرقت‌های گزارش‌شده در استان)

LM شاخص فلاکت استان آذربایجـان شـرقی کـه از مجمـوع نرخ تورم استان و نرخ بیکاری استان به دست می‌آید.

GPOPرشد جمعیت استان (متغیر کنترل)

GGDP رشد تولید ناخالص داخلی استان

LEXP مجمـوع متوسـط هزینـه‌هـای سـالانهٔ خـوراکی و غیرخوراکی خانوارها در استان (شاخص هزینه‌های زندگی)

و C عرض از مبدأ مدل اسـت. متغیرهـای سـرقت، شـاخص فلاکت و مجموع متوسط هزینه‌هـای خـوراکی و غیرخـوراکی به‌صورت لگاریتم طبیعی وارد شده‌اند.

[1] Auto Regressive Distributed Lags

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.136450.1876 https://dorl.net/dor/20.1001.1.26457539.1402.12.1.1.9

## توصیف آماری متغیرها

جدول زیر خلاصه‌ای از اطلاعات آماری متغیرهای استفاده‌شدهٔ تحقیق را نشان می‌دهد. بر این اساس متوسط شاخص فلاکت استان طی دورهٔ بررسی‌شده برابر با ۲۷/۹۷درصد بوده است، در حالی که با داشتن بیشترین مقدار این شاخص در سال ۱۳۹۹، رتبهٔ استان در کل کشور ۱۵ بوده است. بیشترین میزان مجموع انواع سرقت‌های گزارش‌شده نیز ۲۷۴۸۷ مورد بوده است، به‌طوری که استان در سال ۱۳۹۹ در کشور رتبهٔ ۲۲ را کسب کرده است. استان آذربایجان شرقی ازنظر تولید ناخالص داخلی، جایگاه ۸ و نیز رتبهٔ ۶ پرجمعیت‌ترین استان‌های کشور را به خود اختصاص داده است. بیشترین مقدار مجموع متوسط هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی سالانهٔ خانوار نیز حدود ۴۴۸ میلیون ریال در سال ۱۳۹۹ بوده و در این سال، رتبهٔ ۲۴ را در بین استان‌ها داشته است.

جدول ۱- ویژگی‌های آماری متغیرهای تحقیق

**Table 1- Statistical characteristics of research variables**

| متغیرها | میانگین | میانه | ماکزیمم | مینیمم | متوسط رشد متغیر طی دورهٔ بررسی‌شده | رتبهٔ استان در کل کشور سال ۱۳۹۹ |
|---|---|---|---|---|---|---|
| شاخص فلاکت | ۲۷/۹۷ | ۲۲/۷۵ | ۴۷/۲۲ | ۱۴/۴۸ | ۸/۱۴ | ۱۵ |
| تولید ناخالص داخلی استان | ۳۶۶۶۳۸۲۹۴ | ۱۶۱۱۳۹۷۳۲ | ۱۹۲۵۲۰۸۰۸۱ | ۲۴۹۲۱۲۷۵/۶ | ۱۹/۲۱ | ۸ |
| جمعیت استان | ۳۷۱۸۶۶۲ | ۳۶۹۹۱۶۹ | ۴۰۵۱۰۰۰ | ۳۴۳۵۹۷۷ | ۰/۸۲ | ۶ |
| متوسط هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوارها در استان | ۱۴۷۶۶۱۳۲۴ | ۱۰۳۰۹۷۴۱۸ | ۴۴۷۳۳۶۰۰۰ | ۲۲۲۰۰۹۰۳ | ۱۶/۶۵ | ۲۴ |
| سرقت | ۱۳۴۵۱ | ۱۴۳۵۹ | ۲۷۴۸۷ | ۲۸۶۳ | ۱۴/۶۳ | ۲۲ |

منبع: یافته‌های تحقیق

## یافته‌های تحقیق

در ادامه برای بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر جرم در استان آذربایجان شرقی، ابتدا پیش از برآورد مدل، آزمون ریشهٔ واحد برای تعیین پایایی یا ناپایایی متغیرها انجام می‌شود. نتایج آزمون ریشهٔ واحد متغیرها با استفاده از آزمون ریشهٔ واحد دیکی فولر[1]، در جدول (۱) آورده شده است و حاکی از وجود ریشهٔ واحد در همه متغیرها، به‌جز متغیر رشد جمعیت استان است. متغیرهای ناپایا بعد از یک بار تفاضل‌گیری، پایا شده‌اند.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون ریشهٔ واحد، می‌توان از روش خودتوضیحی با وقفه‌های توزیعی در تخمین مدل استفاده کرد. در این الگو، وقفهٔ بهینه با اتکا به معیار شوارتز-بیزین، تعیین می‌شود. براساس آن، الگوی انتخابی به‌صورت ARDL(1,1,0,1,0) تعیین شد. نتایج برآورد مدل کوتاه‌مدت به‌صورت جدول (۲) است.

نتایج حاصل از برآورد مدل کوتاه‌مدت نشان می‌دهد در کوتاه‌مدت رابطهٔ منفی معنی‌داری بین رشد تولید ناخالص داخلی استان آذربایجان شرقی با جرم سرقت وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که با افزایش رشد تولید ناخالص داخلی استان بعد از یک وقفه، جرم کاسته می‌شود. از سوی دیگر با افزایش هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوار، سرقت افزایش می‌یابد؛ اما این متغیر در کوتاه‌مدت معنی‌دار نیست. متغیر شاخص فلاکت نیز در کوتاه‌مدت تأثیر مثبت و معنی‌داری بر جرم در استان دارد؛ به‌گونه‌ای که مقدار سرقت پس از گذشت یک دوره، تأثیر بیشتری از فلاکت می‌گیرد. گرچه ضریب

[1] Dickey Fuller Unit Root Test

https://doi.org/10.22108/srspi.2023.136450.1876 https://dorl.net/dor/20.1001.1.26457539.1402.12.1.1.9

رشد جمعیت رابطهٔ مثبتی با سرقت دارد، این متغیر در کوتاه‌مدت معنی‌دار نیست. براساس آزمون‌های تشخیصی، فرضیهٔ صفر مبنی بر نرمال‌بودن، وجودنداشتن خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی رد نمی‌شود. ضریب تعیین و آمارهٔ F نیز خوبی برازش مدل را نشان می‌دهد.

**جدول ۲- نتایج آزمون ریشهٔ واحد دیکی فولر**

**Table 2- Results of Dickey-Fuller's unit root test**

| متغیر | آمارهٔ آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته (در سطح) | احتمال | آمارهٔ آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته (با یک مرتبه تفاضل‌گیری) | احتمال |
|---|---|---|---|---|
| جرم (سرقت) | -۰/۵۶ | ۰/۸۵ | -۳/۹۷ | ۰/۰۱۷ |
| رشد تولید ناخالص داخلی استان | -۱/۶۶ | ۰/۴۳ | -۵/۰۷ | ۰/۰۰۰۸ |
| شاخص فلاکت | -۲/۳۱ | ۰/۱۷ | -۳/۱۲ | ۰/۰۴ |
| رشد جمعیت استان | -۳/۴۸ | ۰/۰۲ | ------ | ----- |
| هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی | -۲/۸۲ | ۰/۲۰ | -۴/۶۹ | ۰/۰۰۸ |

منبع: یافته‌های تحقیق

**جدول۳- نتایج برآورد مدل کوتاه‌مدت عوامل مؤثر بر جرم سرقت**

**Table 3- The results of estimation of the short run model of factors affecting theft crime**

| متغیر | ضریب | آماره t | احتمال |
|---|---|---|---|
| وقفهٔ اول جرم (سرقت) | ۰/۵۵ | ۴/۴۵ | ۰/۰۰۱ |
| رشد تولید ناخالص داخلی استان | -۱/۷۳ | -۱/۶۱ | ۰/۱۴ |
| وقفهٔ اول رشد تولید ناخالص داخلی استان | -۲/۲۷ | -۲/۳۹ | ۰/۰۴ |
| رشد جمعیت استان | ۰/۲۵ | ۱/۳۸ | ۰/۱۹ |
| شاخص فلاکت | ۰/۵۷ | ۱/۸۷ | ۰/۰۹ |
| وقفهٔ اول شاخص فلاکت | ۰/۶۴ | ۲/۰۹ | ۰/۰۶ |
| هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی | ۰/۲۲ | ۱/۴۸ | ۰/۱۷ |
| عرض از مبدأ | -۳/۳۰ | -۱/۸۴ | ۰/۰۹ |
| $R^2$=0/97<br>f-statistic=0/52<br>prob=0/48 | | F=59/89<br>P-value=0/000 | ناهمسانی واریانس |
| f-statistic=1/24<br>prob=0/34 | | | خودهمبستگی سریالی |
| Jarque bera=0/96<br>Prob=0/61 | | | نرمالیتی |

منبع: یافته‌های تحقیق

برای آزمون، وجود رابطهٔ بلندمدت بین جرم (سرقت) و متغیرهای بررسی‌شده با استفاده از آزمون F پسران و شین، آزمون همگرایی انجام شد. آمارهٔ F محاسباتی برابر ۶/۱۱ است که از مقادیر بحرانی با سطوح اطمینان ۱درصد، ۵درصد و ۱۰درصد بزرگ‌تر است[1]؛ بنابراین فرضیهٔ صفر مبنی بر وجودنداشتن همگرایی رد می‌شود و وجود رابطهٔ بلندمدت میان متغیرهای مدل تأیید می‌شود. اکنون نتایج ضرایب بلندمدت مدل به‌صورت جدول (۴) نشان داده می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد با افزایش شاخص فلاکت در استان و نیز افزایش متوسط هزینهٔ خوراکی و غیرخوراکی خانوارها، میزان جرم افزایش می‌یابد؛ به‌طوری که یک درصد افزایش شاخص فلاکت، ۲/۷۵درصد سرقت را زیاد خواهد کرد که این مقدار در رابطه با مجموع متوسط هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی ۰/۴۹درصد است. رشد تولید استان نیز به کاهش جرم منجر می‌شود. در بلندمدت نیز رابطهٔ معنی‌داری بین رشد جمعیت استان و جرم مشاهده نشد.

**جدول۴- نتایج ضرایب بلندمدت عوامل مؤثر بر جرم سرقت**

**Table 4- The results of estimation of the long run model of factors affecting theft crime**

| متغیر | ضریب | آماره t | احتمال |
|---|---|---|---|
| رشد تولید ناخالص داخلی استان | -۹/۰۳ | -۲/۸۰ | ۰/۰۲۰ |
| رشد جمعیت | ۰/۵۷ | ۱/۳۱ | ۰/۲۲ |
| شاخص فلاکت | ۲/۷۵ | ۳/۳۴ | ۰/۰۰۸ |
| هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوار | ۰/۴۹ | ۲/۰۹ | ۰/۰۶۵ |
| عرض از مبدأ | -۷/۴۵ | -۲/۶۰ | ۰/۰۲۸ |

**منبع: یافته‌های پژوهش**

[1] حد بالا و پایین F در سطوح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ به ترتیب [۴/۳۷ و ۳/۲۹]، [۳/۴۹ و ۲/۵۶] و [۳/۰ و ۲/۲] است.

براساس نتایج تجربی مدل برآوردی، نمودار شکل زیر برای ارائهٔ تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته ارائه می‌شود.

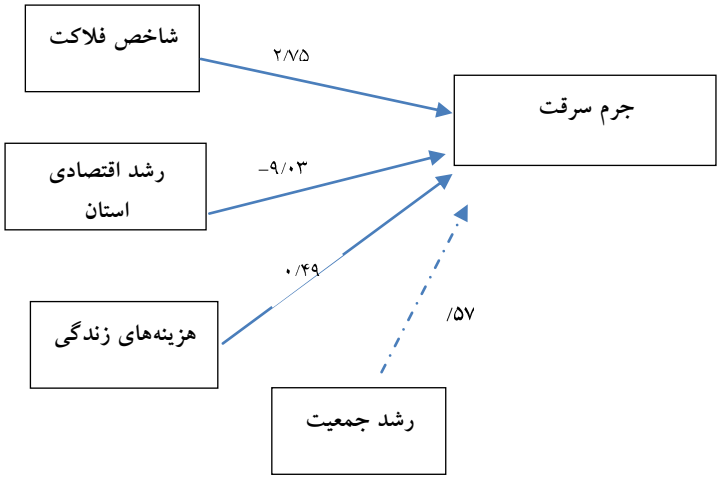


**شکل ۲- مدل تجربی عوامل مؤثر بر جرم سرقت در استان آذربایجان شرقی**

**Fig 2- Research emperical model, economic factors on Crime of Theft in East Azarbaijan province**

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه جرم یکی از بارزترین آسیب اجتماعی در هر جامعه‌ای تلقی می‌شود. افزایش جرم و جنایت، کشورها را مجبور به افزایش هزینه‌های امنیت و نظم عمومی کرده است که این امر باعث استفادهٔ ناکارآمد از منابع، در بخش عمومی و خصوصی جامعه می‌شود. وقوع جرم و عوامل مؤثر بر آن از جنبه‌های مختلفی بررسی‌شدنی است؛ اما دلایل اقتصادی، یکی از اصلی‌ترین دلایل وقوع جرم است. نرخ‌های بالای تورم و بیکاری و هزینه‌های تأمین مایحتاج زندگی، ازجمله عوامل اصلی است که افراد را وادار به ارتکاب جرم می‌کند. اگر در جامعه‌ای، اشتغال کافی و منبع تأمین درآمد مطمئن وجود داشته باشد، جرم کمتری نیز مشاهده می‌شود. این مطالعه براساس داده‌های استان آذربایجان شرقی و طی دورهٔ ۱۳۷۹ الی ۱۳۹۹ برخی عوامل مؤثر بر جرم سرقت را با استفاده از رویکرد مدل‌های خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) بررسی کرده است. نتایج به دست آمده حاکی از تأثیر شاخص فلاکت در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر تعداد

سرقت اتفاق‌افتاده در استان آذربایجان شرقی است. شاخص فلاکت به‌طور مستقیم از دو کانال نرخ تورم و بیکاری بر سطح زندگی افراد تأثیرگذار است و با کاهش منابع مالی، تأمین زندگی، درآمدها و نیز کاهش قدرت خرید، افراد را در مسیر ارتکاب جرم قرار می‌دهد. نتیجهٔ پژوهش حاضر هم‌راستا با نتایج مطالعات دادگر و نظری (۱۳۹۲) و سلیمانی مقام و همکاران (۱۳۹۹) است. در شرایط تورمی، قدرت خرید خانوارها کاهش و در مقابل، هزینه‌های زندگی نیز افزایش می‌یابد؛ درنتیجه افراد برای حفظ سطح زندگی خود همانند گذشته و جبران آن، به‌سمت فعالیت‌های مجرمانه گرایش پیدا می‌کنند. بیکاری نیز با کاهش فرصت‌ها و منابع کسب درآمد و اشتغال از عوامل ایجادکنندهٔ فقر و نابرابری‌های اقتصادی است و باعث بروز جنایات، انحراف‌ها، تنش‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی و خشونت می‌شود. بازده نهایی فعالیت‌های قانونی برای یک فرد بیکار، کمتر از زمانی است که فرد شاغل است و این باعث افزایش احتمال ارتکاب جرم در فرد می‌شود. از سوی دیگر نتایج نشان داد با افزایش رشد تولید ناخالص داخلی استان، جرم سرقت کاهش می‌یابد. افزایش رشد تولیدات و رونق اقتصادی، باعث بهبود کسب و کار و فراهم‌شدن فرصت‌های اشتغال برای افراد می‌شود و با ایجاد درآمد، انگیزهٔ فعالیت‌های مجرمانه (سرقت) کاهش می‌یابد. مطالعهٔ رشد اقتصادی استان و رشد سرقت نیز نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۸، که سرقت بالاترین رشد را داشته است، رشد تولید ناخالص داخلی استان در پایین حد خود قرار داشت. نتایج به دست آمده با نتایج مطالعهٔ پناهی و ستاررستمی (۱۳۹۶) و سلیمانی‌مقام و همکاران (۱۳۹۹) هماهنگ است. افزایش هزینه‌های زندگی و بالارفتن متوسط هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی به‌دنبال تورم، رابطهٔ مستقیمی با سرقت در استان آذربایجان شرقی دارد. این نتیجه کاملاً طبیعی بوده است و نشان می‌دهد با بالارفتن هزینه‌های زندگی، افراد برای تأمین اقلام خوراکی و غیرخوراکی خود، جرم بیشتری مرتکب شده‌اند.

نتایج مطالعهٔ حاضر حاکی از تأثیرنگذاشتن رشد جمعیت به‌عنوان متغیر کنترل بر تعداد جرم سرقت گزارش‌شده در استان است. درواقع باید اشاره کرد که تأثیر دیگر عوامل بررسی‌شده بر جرم سرقت، به مراتب پررنگ‌تر و قوی‌تر از متغیر جمعیت استان بوده است؛ به‌نحوی که با وجود تأثیر مثبت رشد جمعیت بر سرقت، حتی در سطح معنی‌داری ده‌درصد نیز معنی‌دار نشده است. چنین نتیجه‌ای به‌دلیل کوتاه‌بودن طول دورهٔ بررسی‌شده و رشد محدود جمعیت استان طی آن، دور از انتظار نیست.

براساس نتایج به دست آمده و تأثیر متغیرهای اقتصادی مطالعه‌شده بر جرم در استان آذربایجان شرقی، لزوم توجه به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در راستای کاهش تورم و بیکاری و ایجاد زمینه‌های تولید و اشتغال نمود می‌یابد.

## منابع فارسی


ابراهیمی، م. و چاکرزهی، ع. (۱۳۹۴). ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*. ۴ (۳)،۱۲۷-۱۱۳.

اقبالی، ع.؛ عبدالهی، ف. و غبیشاوی، ع. (۱۳۹۹). بررسی اثر سیکل‌های تجاری بر جرم: برنامه‌ریزی جهت ارتقای امنیت. *مطالعات امنیت ملی*، ۱۱(۶۲)، ۴۶-۱۳.

پروین، س. و درویشی‌فرد، ع. (۱۳۹۴). خرده‌فرهنگ فقر و آسیب‌های اجتماعی در محلات شهری (مطالعهٔ موردی محلهٔ هرندی). *برنامه‌ریزی رفاه و توسعهٔ اجتماعی*، ۷(۲۳)، ۸۹-۵۱.

پناهی، ح. و ستاررستمی. ه. (۱۳۹۶). بررسی رابطهٔ میان رشد اقتصادی و جرم: شواهدی از استان‌های ایران. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۵(۸۳)، ۲۶۳-۲۳۹

دادگر، ی. و نظری، ر. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر شاخص فلاکت بر جرم و جنایت در ایران. *مجلهٔ نامهٔ مفید*، (۲) ۹۹، ۸۶-۶۳.

سلیمانی مقام. ی.؛ نادمی، ی. و چگنی، م. (۱۳۹۹). تأثیر شاخص فلاکت بر میزان ارتکاب جرائم در استان‌های ایران. *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۱(۴۲). ۱۸۶-۱۵۷.


https://doi.org/10.22108/srspi.2023.136450.1876 https://dorl.net/dor/20.1001.1.26457539.1402.12.1.1.9

شاه‌آبادی، ا. و قربانی گلپرور، م. (۱۳۹۵). تأثیر شاخص فلاکت بر هزینه‌های سلامت در ایران. *مدل‌سازی اقتصادی*، (۱)۱۵۷، ۱۰-۱۳۳.

عباسی‌نژاد، ح.؛ رمضانی، ه. و صادقی، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطهٔ بین بیکاری و جرم در ایران: رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۰(۶۴)، ۸۶-۶۵.

عباسی‌نژاد، ح.؛ صادقی، م. و رمضانی، ه. (۱۳۹۳). بررسی رابطهٔ جرائم اجتماعی و متغیرهای اقتصادی در ایران. *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۹(۳)، ۹۱-۶۹.

عبدالهی، م. (۱۳۸۷). *آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران*. انتشارات آگاه: تهران.

مهرگان، ن. و گرشاسبی‌فخر، س.(۱۳۹۰). نابرابری درآمد و جرم در ایران. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعهٔ پایدار)*، ۱۱(۴)، ۱۲۶-۱۰۹.

مرکز آمار. (۱۳۹۹). سالنامهٔ آماری کشور.

مرکز آمار. (۱۳۹۹). سالنامهٔ آماری استان آذربایجان شرقی.

یحیوی دیزج، ج.؛ محمدزاده، ی.؛ حکمتی، ص. و یعقوبی، ف.(۱۳۹۷). رابطهٔ بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در کشورهای منتخب با رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته. *رفاه اجتماعی*، ۱۸(۶۸)، ۱۹۹-۱۶۷.

## References

Abbasi Nejad, H., Sadeghi, M., & Ramezani, H. (2014). Investigating the relationship between social crimes and economic variables in Iran. *The Journal of Planning and Budgeting*, *19*(126), 69 - 92 [In Persian].

Abbasi Nejad, H., Ramezani, H., & Sadeghi, M. (2013). A study of the relation between unemployment and crime in iran provincial consolidated data approach.*Journal of Economic Research and Policies*, *20*(64), 65 -86 [In Persian].

Abdollahi, M. (2008). *Social damage and its transformation process (in Iran)*, Agah, Tehran, Iran [In Persian].

Anser, M.K., Yousaf, Z., Nassani, A.A., Alotaibi, S.M., Kabbani, A., & Zaman, K. (2020). Dynamic linkages between poverty, inequality, crime, and social expenditures in a panel of 16 countries: two-step GMM estimates. *Journal of Economic Structures*, *9*(1), 1-25.

Arabi, S. (2019). Sociological analysis of social harms and their influence on health. *J Research & Health*, *9*(1), 1- 2.

Asif, I. (2014). *Economic growth and crime against small and medium sized enterprises in developing economies.* Policy Research Working Paper; No. 6768. World Bank, Washington, DC. © World Bank.

Ayang, E., Mela, C., & Fossong, D. (2022). Does female unemployment increase crime? Evidence in selected Sub-Saharan African countries. *Euroeconomica*, *41*(1), 125-133.

Barkan, S.E., & Rocque, M. (2018). Socioeconomic status and racism as fundamental causes of street criminality. *Critical Criminology*, *26*(2), 211–231.

Becker, G.S. (1968). Crime and punishment: An economic approach. *Journal of Political Economy*, *76*(2), 169–217.

Bell, B., Costa, R., & Machin, S. (2016). Crime, compulsory schooling laws and education. *Economics of Education Review*, *54*, 214–226.

Bourguignon, F., Nuñez, J., & Sanchez, F. (2003). *What part of the income distribution does matter for explaining crime? The case of Colombia*. DELTA Working Papers, Paris; CEDE, Working Paper No. 2, 07- 003. Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=393881 or http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.393881

Braithwaite, J. (1981). The myth of social class and criminality reconsidered. *American Sociological Review*, *46*(1), 36–57.

Buttner, N. (2022). *Local inequality and crime: new evidence from South Africa*, Working paper, Passauer Discussion papers-economic series. No. V-89-22.

Cameron, L., & Shah, M. (2014). Can mistargeting destroy social capital and stimulate crime? evidence from a cash transfer program in Indonesia. *Economic Development and Cultural Change*, *62*(2), 381–415.

Cantor, D., & Land, K. (1985). Unemployment and crime rates in the post-World War Two United States. *American Sociological Review*, *50*(3), 317-332

Cohen, I. K., Fabrizio F., & McIntosh, B. (2014). Decomposing the misery index: A dynamic approach. *Cogent Economics & Finance*, *2*(1), 991089.

Dadgar, Y., & Nazari, R., (2014). The impact of misery index on crime in Iran. *Journal of Nameh Mofid*, *99*(2), 63-86 [In Persian].

Ebrahimi, M., & Chakarzehy, A., (2015). The relationship between inflation, unemployment and crime rates in Iran, *Strategic Research on Social Problem In Iran*, *4*(2): 113-127 [In Persian].

Edmark, K. (2005). Unemployment and crime: Is there

Oliveira, M. (2021). More crime in cities? On the scaling laws of crime and the inadequacy of per capita rankings—a cross-country study. *Crime Sci*, *10*(27), 1-13.

Panahi, H., & Sattar Rostami, H. (2017). The relationship between economic growth and crime: Evidence from Iran. *Journal of Economic Research and Policies*, *25*(83), 239 -263 [In Persian].

Parvin, S., & Darvishifard, A., (2015). The subculture of poverty and social pathologies in urban neighborhoods (A Case Study of Darvazeh Ghar). *Social Development & Welfare Planing*, *6*(23), 51 - 89 [In Persian].

Sánchez López, F. (2022). Measuring the Effect of the Misery Index on International Tourist Departures: Empirical Evidence from Mexico. *Economies*, 10(4), 81.

Shahabadi, A., & Ghorbani Golparvar, M. (2016). Impact of misery index on health spending in Iran. *Quarterly Journal of Economic Modelling*, *10*(1), 133 -157 [In Persian].

Sheer, A., Shoiping,L., Sidra, F. and Sharif, A. (2018). Impact of Crime on Social-Economic Development: A Study of Karachi. *Malaysian Journal of Social Sciences and Humanities (MJSSH)*, 3(3), 148-159.

Soleimanimagham, Y., Nademi, Y., & Chegeni, M. (2021). The effect of misery index on the rate of crime in the provinces of Iran. *Journal of Economic Modeling Research*, 11(42), 157 -186 [In Persian].

Statistical Center of Iran (2020). Iran Statistical Yearbook. [In Persian]

Statistical Center of Iran. (2020). East Azarbaijan Province Statistical Yearbook. [In Persian]

Sugiharti, L., Esquivias, M.A., Shaari, M. SH., Agustin, L., & Rohmawati, H. (2022). Criminality and income inequality in indonesia. *Social Sciences*, *11*(3), 1421-19.

Taylor, R.B. (1995). The impact of crime on communities. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, *539*(1), 28-45.

Teles, V. K. (2004). The effects of macroeconomic policies on crim. *Economics Bulletin*, *11*(1), 1-9.

Tsushima, M. (1996). Economic structure and crime: The case of Japan. *The Journal of Socio-Economics*, *25*(4), 497-515.

Webster, C.S., & Kingston, S. (2014). *Anti-Poverty strategies for the UK: Poverty and crime review*, .Project Report. Joseph Rowntree Foundation.

Yahyavi Dizaj, J., Mohammadzadeh, Y., Hekmati, S., & Yakobi, F. H. (2018). The effect of macroeconomic variables on crime in selected countries with a dynamic panel approach. *Social Welfare Quarterly*, *18*(68), 167-199 [In Persian].

a connection?. *Journal of Economics*, *107*(2), 353-373.

Eghbali, A., Abdollahi, F., & Ghobeyshavi, A., (2020). Investigating the impact of business cycles on crime: Planning to improve security, *Societal Security Studies*, *11*(2), 13 -46 [In Persian].

Ehrlich, I. (1973). Participation in illegitimate activities: A theoretical and empirical investigation. *Journal of Political Economy*, *81*(3), 521–65.

Enamorado, T., López-Calva, L., Rodríguez-Castelán, C., & Winkler, H. (2016). Income inequality and violent crime: Evidence from Mexico's drug war. *Journal of Development Economics*, 1*20*, 128-143. https://doi.org/10.1016/j.jdeveco.2015.12.004

Fleisher, M. B. (1975). The effect of unemployment on juvenile delinquency. *Journal of Political Economy*, *71*(6), 543-555.

Garidzirai, R. (2021). An analysis of economic determinants and crime in selected gauteng local municipalities. *In* (Ed.), *Improving quality of life - exploring standard of living, wellbeing, and community development.* IntechOpen.

Groff, E. R. (2015). Informal social control and crime events. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, *31*(1), 90–106.

Haines, K. (1999). Crime is a social problem. *European Journal on Criminal Policy and Research*, *7*(2), 263-275.

Imrohoroglu, A., Merlo, A., & Rupert, P. (2004). What accounts for the decline in crime?. *International Economic Review*, *45*(3), 707–729.

Ishak, S. (2016). The costs of crime to the society in malaysia. *International Journal of Business, Economics and Law*, *11*(3), 13-18.

Jonathan, E.J., Olusola, A.J., Inoussa, T.M., & Bernadin, T.C.A. (2021). Impacts of crime on socio-economic development. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, *12*(5). 71-81.

Lechman, E. (2009). *Okun's and barro's misery index as an alternative poverty assessment tool*. Recent Estimations for European Countries. MPRA Paper No. 37493. Available online: http://mpra.ub.uni-muenchen.de/37493/ (accessed on 15 February 2022).

Mehregan, N., & Garshasbi Fakhr, S. (2011). Income inequality and crime in Iran. *The Economic Research*, *11* (4), 109-125 [In Persian].

Merton, R.K. (1983). Social structure and anomie. *American Sociological Review*, 3(5), 672-682.

Muryani, M., Esquivias, M. A., Sethi, N., & Iswanti, H. (2021). Dynamics of income inequality, investment, and unemployment in indonesia. *Journal of Population and Social Studies*, *29*, 660-678.

Nguyen, H.T.M. (2019). Do More educated neighbourhoods experience less property crime? evidence from indonesia. *International Journal of Educational Development*, *64*, 27–37.